

Research
Article

The Mediating Role of Psychological Capital in the Relationship Between Basic Psychological Needs and Addiction Proneness in Students

Sajjad Asadirahmani¹, Saeed Moosavipour²

Received: 2026/05/05

Accepted: 2026/08/27

Abstract

Objective: The present study aimed to develop a structural model by examining the mediating role of psychological capital in the relationship between basic psychological needs and addiction proneness among high school students.

Method: This study was a descriptive-correlational research employing a structural equation modeling design. The statistical population of the study comprised all male high school students across three districts of Tehran during the 2024–2025 academic year, of whom 700 individuals as the study's sample were selected using multi-stage cluster sampling. Participants completed the addiction potential scale, the psychological capital questionnaire, and the basic needs satisfaction in general scale. The statistical data were analyzed using Pearson's correlation and structural equation modeling. **Results:** The findings of structural equation modeling indicated that basic psychological needs had a significant negative direct correlation with addiction proneness. Furthermore, the results of bootstrapping showed that psychological capital played a significant mediating role in the indirect relationship between basic psychological needs and addiction proneness. **Conclusion:** The results of the present study indicate that enhancing psychological capital can strengthen the protective effect of basic psychological needs against addictive behaviors and lead to a sustained reduction in substance use proneness among adolescents.

Keywords: Addiction proneness, Basic psychological needs, Psychological capital, Students

1. MA, Department of Psychology, Arak University, Arak, Iran.

2. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Psychology, Arak University, Arak, Iran. Email: s-moosavipour@araku.ac.ir

نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی در رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان

سجاد اسدی رحمانی^۱، سعید موسوی-پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر تدوین یک مدل ساختاری با بررسی نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی در رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان دبیرستانی بود. **روش:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این مطالعه شامل همه دانش‌آموزان دبیرستانی پسر سه منطقه در شهر تهران بود که در سال ۱۴۰۴-۱۴۰۳ در حال تحصیل بودند که از بین آن‌ها تعداد ۷۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه این مطالعه انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان مقیاس گرایش به اعتیاد، مقیاس سرمایه‌های روان‌شناختی و مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را تکمیل کردند. داده‌ها آماری با استفاده از همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که نیازهای بنیادین روان‌شناختی ارتباط مستقیم منفی معناداری با گرایش به اعتیاد داشت. به علاوه، نتایج بوت‌استرپ نشان داد که سرمایه‌های روان‌شناختی در رابطه غیر مستقیم بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد نقش میانجی معناداری داشت. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تقویت سرمایه‌های روان‌شناختی می‌تواند اثر محافظتی ارضای نیازهای روان‌شناختی در برابر رفتارهای اعتیادگونه را تقویت کرده و به کاهش پایدار گرایش به مصرف مواد در نوجوانان منجر شود.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌های روان‌شناختی، نیازهای بنیادین روان‌شناختی، گرایش به اعتیاد، دانش‌آموزان

۱. کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. پست الکترونیک: s-

moosavipour@araku.ac.ir

مقدمه

پدیده مصرف مواد در سراسر کشورهای جهان در حال رشد است که اوج مصرف آن از اوایل نوجوانی تا اوایل جوانی است و کشور ایران هم از این مسئله مستثنی نبوده و آخرین آمارها نشان می‌دهد که گرایش به اعتیاد و مواد مخدر در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳ روندی افزایشی داشته است (عشایری و همکاران، ۱۴۰۳؛ مردیس^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). در دهه‌های اخیر کاهش سن مصرف مواد مخدر از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری محسوب می‌شود (مانریک - میلوئز^۲ و همکاران، ۲۰۲۱) و می‌توان گفت افزایش گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر بسیار نگران کننده است، زیرا بیشتر افرادی که مصرف مواد را در سال‌های نوجوانی آغاز می‌کنند به مصرف آن در سال‌های آینده نیز ادامه می‌دهند (گاروفیلی^۳، ۲۰۲۰). نوجوانی دوره تحولی حساس و مهمی است که با تغییرات مختلف روان‌شناختی و زیستی - عصب‌شناختی مشخص می‌شود و این تغییرات در مغز نوجوانان آن‌ها را مستعد پرداختن به رفتارها و تصمیمات پرخطر مانند مصرف مواد مخدر می‌سازد و آغاز مصرف مواد مخدر در دوران نوجوانی پیامدهای نامطلوب فردی و اجتماعی بسیاری را در طول زمان به همراه خواهد داشت. بنابراین، نوجوانی حساس‌ترین بخش زندگی برای شروع مصرف مواد مخدر می‌باشد (ماگزر^۴ و همکاران، ۲۰۲۳؛ گوردون^۵ و همکاران، ۲۰۲۰؛ ولی‌زاده - اردلان و همکاران، ۲۰۱۹).

در این راستا، نظریه خود تعیین‌گری^۶ (رایان و دسی^۷، ۲۰۲۴) استدلال می‌کند که همه انسان‌ها نیازهای بنیادین روان‌شناختی^۸ دارند که عدم ارضا صحیح این نیازها عملکرد آن‌ها را تغییر می‌دهد و آن‌ها را از نظر روانی آسیب‌پذیر می‌سازد و عدم ارضا این نیازها بالقوه موجب ایجاد مشکلات در مدرسه و گرایش به مصرف مواد می‌شود (ادانه^۹ و همکاران، ۲۰۲۴). در زمینه مصرف مواد و ارتباط آن با ارضاء و یا عدم ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی پژوهش‌هایی صورت گرفته است و این پژوهش‌ها به صورت جدی نشان از

1. Meredith
2. Manrique-Millones
3. Garofoli
4. Maggs
5. Gordon

6. self-determination theory
7. Ryan & Deci
8. basic psychological needs
9. Edane

رابطه‌ی عدم ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی با مصرف مواد دارد (ریچاردز^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). نظریه خود تعیین‌گری یک نظریه انسان‌گرایانه بر اساس دیالکتیک بین انسان و محیط اطرافش بنا شده است که برای عملکرد کامل، بهینه، رشد، یادگیری و بهزیستی انسان‌ها لازم است که افراد نیازهای روان‌شناختی پایه‌ای خود را ارضاء کنند. این نیازهای بنیادین عبارتند از شایستگی^۲، خودمختاری^۳ و ارتباط^۴ که عدم برآورده شدن آن‌ها به افزایش ناراحتی و مشکلات عملکردی آن افراد منجر می‌شود (رایان و همکاران، ۲۰۲۳؛ نیمیک^۵ و همکاران، ۲۰۱۰؛ رایان و دسی، ۲۰۱۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عدم ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی در نمونه دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی به طور مثبت با مصرف زیاد الکل، احتمال بیشتر مصرف حشیش و اعتیاد به آن‌ها ارتباط دارد (ادانه و همکاران، ۲۰۲۴؛ اینگولیا^۶ و همکاران، ۲۰۱۹). نشان داده شده است که برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی با استفاده بیشتر از استراتژی‌های محافظ در برابر رفتارهای مرتبط با مصرف حشیش و پیامدهای منفی کمتر مرتبط است، در حالی که ناکامی بیشتر در برآوردن نیازهای اساسی روان‌شناختی با پیامدهای منفی بیشتر و شدت بالاتر مصرف حشیش مرتبط است (ریچاردز و همکاران، ۲۰۲۳). ارضاء شدن یا نشدن نیازهای بنیادین روان‌شناختی به تنهایی عاملی تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری برای ادامه مصرف مواد مخدر یا عدم مصرف آن در بزرگسالان وابسته به مواد است (چان^۷ و همکاران، ۲۰۱۹). در پژوهش‌های دیگر نیز اشاره شده است که عدم ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی اساساً با رفتارهای اعتیاد گونه مانند اعتیاد به قمار و استفاده مشکل‌ساز از رسانه‌های اجتماعی اینترنت مرتبط است (گوگلیاندولو^۸ و همکاران، ۲۰۲۰؛ میلز^۹ و همکاران، ۲۰۲۱). در طرف مقابل، ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی موجب افزایش عزت نفس و سلامت روان‌شناختی مطلوب در افراد شده و چنین شرایطی به افزایش تاب‌آوری^{۱۰} در برابر حالات خلقی خطر ساز و گرایش به اعتیاد می‌انجامد (شالچی و همکاران، ۱۳۹۶). در واقع، نتایج

1. Richards
2. competence
3. autonomy
4. relatedness
5. Niemiec

6. Inguglia
7. Chan
8. Gugliandolo
9. Mills
10. resilience

نشان می‌دهد ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی نقش مهمی در جلوگیری از گرایش به رفتارهای پر خطر دارد و می‌تواند موجب کاهش رفتارهای پرخطر و افزایش سلامت روان شود (دسی و رایان، ۲۰۱۱).

بر اساس ادبیات پژوهشی مورد بحث، مشخص است که ارتباط نزدیکی بین نیازهای روان‌شناختی بنیادین و گرایش به اعتیاد وجود دارد، به طوری که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی عاملی محافظتی در برابر گرایش به اعتیاد می‌باشد. با وجود این ارتباط هنوز مکانیسم‌های زیربنایی این رابطه به طور کامل مشخص نیست. در این زمینه سرمایه روان‌شناختی^۱ می‌تواند به عنوان یک عامل زیربنایی در این رابطه مطرح باشد. سرمایه روان‌شناختی به نوعی منبع مثبت یا وضعیت روانی سالم در فرایند رشد، پیشرفت و تکامل فرد اشاره دارد (ژنگ و وی^۲، ۲۰۲۳). بر اساس ادبیات پژوهشی، سازه‌های روانشناسی مثبت^۳ همچون سرمایه روان‌شناختی جزو منابعی محسوب می‌شوند که می‌توانند در تبیین و فهم بهتر رفتارهای اعتیادی و پرخطر نقش داشته باشد (تیمورزاده و همکاران، ۱۴۰۰). مطالعات متعددی بیان کرده‌اند که مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی ارتباط تنگاتنگی با گرایش به اعتیاد و مصرف مواد دارند (ژنگ و وی^۴، ۲۰۲۳؛ ژنگ و تان^۵، ۲۰۲۱). همچنین، مطالعات نشان داده‌اند که سرمایه روان‌شناختی می‌تواند به خوبی مصرف مواد را پیش‌بینی کند و احتمال گرایش به مصرف مواد را کاهش دهد (جیا^۶ و همکاران، ۲۰۲۱؛ کراسیکو^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). لوتانز^۷ و همکاران (۲۰۰۷) چهار مؤلفه را برای سرمایه روان‌شناختی شناسایی کردند که عبارت است از امیدواری^۸ (پابندی به اهداف و توانایی تغییر مسیر برای دستیابی به آن‌ها در صورت نیاز)، تاب‌آوری (پشتکار و تلاش در مواجهه با مشکلات یا شکست‌ها)، خوش‌بینی^۹ (تعبیر مثبت از موفقیت‌های حال و آینده) و خودکارآمدی^{۱۰} (اعتماد به توانایی برای انجام موفق کارهای چالش‌برانگیز) (لوتانز و یوسف^{۱۱}، ۲۰۰۷).

1. psychological capital
2. Zeng & Wei
3. positive psychology constructs
4. Tan
5. Jia
6. Krasikova

7. Luthans
8. hope
9. optimism
10. self-efficacy
11. Youssef

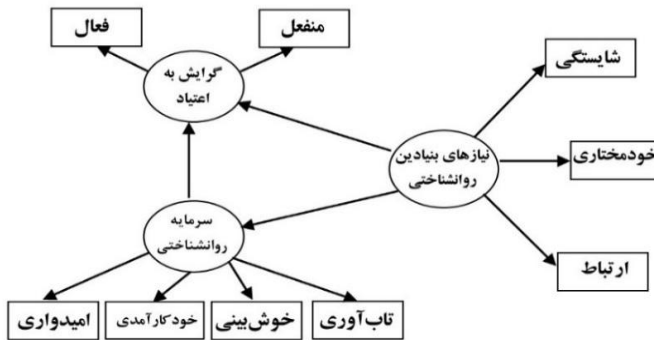
خوش‌بینی و امید عوامل تعیین‌کننده مهمی در اجتناب از مصرف مواد هستند و افرادی که سطح امید بالاتری دارند احساس خودکارآمدی قوی‌تر و انگیزش بیشتری برای دوری از مواد دارند. افزون بر این، تاب‌آوری یک عامل محافظ در برابر مصرف مواد به خصوص در نوجوانان است (ژنگ و وی، ۲۰۲۳؛ ژنگ و تان، ۲۰۲۱؛ آقاجانی و همکاران، ۱۴۰۴). همچنین، با توجه به اینکه آشفته‌گی روان‌شناختی عاملی مرتبط با آمادگی برای اعتیاد در نوجوانان می‌باشد (آقاجانی و همکاران، ۱۴۰۳) و از آنجا که وجود سرمایه روان‌شناختی در افراد مانع از آشفته‌گی روان‌شناختی می‌شود (حافظ و همکاران، ۱۴۰۱)، سرمایه روان‌شناختی جزء عوامل محافظتی موثر در برابر گرایش به اعتیاد و مواد مخدر است (تسفایی^۱، ۲۰۱۶). نتایج برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که همبستگی منفی معناداری بین سرمایه روان‌شناختی و تمایل به عود اختلالات مصرف مواد مخدر و گرایش به آن در بزرگسالان وابسته به مواد در مراکز بازپروری وجود دارد (ژنگ و وی ۲۰۲۳؛ ژنگ و تان، ۲۰۲۱). پژوهش جیا و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان داد که بین سرمایه روان‌شناختی و رفتارهای پرخطر دوران نوجوانی مانند مصرف مواد مخدر همبستگی منفی معناداری برقرار است. پژوهش کراسکوا و همکاران (۲۰۱۵) با استفاده از داده‌های نمونه‌ای از سربازان ارتش ایالات متحده آمریکا دریافتند که سربازانی که پیش از اعزام سطوح بالاتری از سرمایه روان‌شناختی داشتند احتمال کمتری داشت که پس از اعزام تشخیص مشکلات بهداشت روانی و اختلالات مصرف مواد دریافت کنند.

با توجه به نقش کلیدی سرمایه روان‌شناختی در پیشگیری از رفتارهای پرخطر، شناسایی بسترهای تحولی و روان‌شناختی که زمینه را برای ارتقای این سرمایه فراهم می‌کنند از اهمیت بالایی برخوردار است. در این میان، نظریه پردازان معتقدند که تحقق ظرفیت‌های مثبت روان‌شناختی در گرو برآورده شدن نیازهای بنیادین فرد است و در راستای تبیین این ارتباط، مطالعات گذشته نشان داده‌اند که بین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه روان‌شناختی یک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (سونگ و یان^۲،

۲۰۲۵؛ حافظ و همکاران، ۱۴۰۱؛ کارمونا هالتی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹؛ پیرمادی و همکاران، ۱۳۹۷). در پژوهش کارمونا هالتی و همکاران (۲۰۱۹) نتایج نشان داد که برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی بنیادین در دانش‌آموزان دبیرستانی منجر به افزایش سرمایه روان‌شناختی می‌شود. اگرچه سرمایه روان‌شناختی می‌تواند در رابطه بین نیازهای روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد مکانیسم زیربنایی بالقوه باشد، اما در این رابطه مخصوصاً در نوجوانان هنوز تحقیقی انجام نشده است که نیازمند بررسی می‌باشد.

در مجموع، نیازهای بنیادین روان‌شناختی از عوامل مرتبط و موثر بر گرایش به اعتیاد و مصرف مواد است اما شکاف پژوهشی در این بعد از پژوهش این است که ادبیات پژوهشی در این زمینه به خصوص در نمونه دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی در کشور ایران بسیار محدود است و فقط یک پژوهش به این مسئله پرداخته است که از حجم نمونه کمی برخوردار است. به علاوه، پژوهش‌های محدودی در خارج از کشور نیز این موضوع را در نمونه دانش‌آموزان نوجوان بررسی کرده‌اند و اکثراً متمرکز بر نمونه بزرگسالان و جوانان بوده که عموماً به بررسی ولع مصرف و یا مصرف یک ماده اعتیادآور خاص پرداخته‌اند و به سازه گرایش به اعتیاد به عنوان یک سازه کلی نپرداخته‌اند. این نشان از ضعف ادبیات پژوهشی در این زمینه است. همچنین، یکی از عوامل مرتبط و موثر بر گرایش به اعتیاد و مصرف مواد سرمایه روان‌شناختی است اما شکاف پژوهشی در این بُعد از پژوهش این است که پژوهش‌هایی که به بررسی این رابطه در نمونه دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی پرداخته‌اند بسیار محدود بوده و حتی هیچ پژوهشی در داخل ایران در این نمونه صورت نگرفته است و پژوهش‌های محدود انجام شده در داخل و یا خارج از کشور نیز عموماً بر روی نمونه‌های بزرگسال و جوانان متمرکز بوده‌اند. همچنین، با توجه به مطالب ذکر شده متوجه می‌شویم که یک شکاف تحقیقاتی دیگری در ارائه یک مدل مفهومی ساختار یافته از متغیرهای این پژوهش وجود دارد، به طوری که هیچ مطالعه‌ای به بررسی نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی در رابطه نیازهای بنیادین روان‌شناختی با گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان دبیرستانی نپرداخته است. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی نقش میانجی سرمایه

روان‌شناختی در رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان دبیرستانی بود. پژوهش حاضر با بررسی این هدف به دنبال پاسخگویی به این سوال بود که آیا سرمایه روان‌شناختی در رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان دبیرستانی دارای نقش میانجی می‌باشد؟ نمودار ۱ مدل پیشنهادی این پژوهش را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: مدل پیشنهادی پژوهش

روش

جامعه، نمونه، روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه سه منطقه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. در این پژوهش نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. بدین منظور، ابتدا سه منطقه شهر تهران به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از میان مدارس دوره دوم متوسطه پسرانه در آن منطقه تعدادی مدرسه به صورت تصادفی برگزیده شدند. در مرحله بعد، از هر مدرسه کلاس‌هایی به طور تصادفی انتخاب گردید. در نهایت، دانش‌آموزان واجد شرایط کلاس‌های منتخب در پژوهش شرکت کردند. با توجه به پیچیدگی مدل معادلات ساختاری و تعداد متغیرهای مکنون، حجم نمونه ۷۰۰ نفر بر پایه توصیه‌های کلاین^۱ (۲۰۲۳) انتخاب شد که نمونه‌ای بیش از حداقل ۲۰۰ مورد پیشنهاد شده و در دامنه مناسبی برای برآورد دقیق پارامترها قرار دارد.

1. Kline

این حجم نمونه که بیش از استانداردهای مطالعات کلاسیک (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۱۳) و توصیه‌های رایج برای مدل‌های معادلات ساختاری (کلاين، ۲۰۲۳) است، نسبت مشاهدات به پارامترهای مدل را در سطح مطلوبی حفظ کرده و موجب افزایش پایداری برآوردها و توان آماری در مدل‌های چندمتغیره می‌شود. در نهایت، این تعداد نمونه ارتقای دقت آماری و امکان کشف الگوهای پیچیده در داده‌ها را با اطمینان بیشتری میسر می‌سازد (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۱۳؛ کلاين، ۲۰۲۳). معیارهای ورود به پژوهش شامل اشتغال به تحصیل در مقطع متوسطه دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، قرار داشتن در دامنه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال، رضایت آگاهانه دانش‌آموز و اخذ رضایت کتبی از اولیا، توانایی خواندن و درک پرسش‌نامه‌ها، و پاسخگویی کامل به گویه‌های پرسش‌نامه‌های پژوهش بود. پرسش‌نامه‌های ناقص، پاسخ‌های غیر معتبر و موارد انصراف از ادامه همکاری به عنوان معیارهای خروج در نظر گرفته شد.

برای شرکت‌کنندگان در ابتدا در مورد اهداف پژوهش و محرمانه بودن پاسخ‌ها به شکل کتبی بیان و فرم رضایت کتبی شرکت در پژوهش ارائه شد. برای احترام به جنبه‌های اخلاقی تحقیق، به پاسخ‌دهندگان اطلاع داده شد که حق دارند در هر مرحله‌ای از پژوهش انصراف دهند. دانش‌آموز دوره دوم متوسطه و والدین آن‌ها به صورت داوطلبانه فرم رضایت آگاهانه را امضا کرده و تصمیم به مشارکت در تحقیق گرفتند. پس از تصویب طرح پیشنهادی و اخذ کد اخلاق با کد مصوبه IR.ARAKU.REC.1403.073 از کمیته اخلاق دانشگاه اراک، با انجام هماهنگی‌های لازم برای اجرای پژوهش ابتدا لینک پرسش‌نامه‌های پژوهش به صورت آنلاین در دسترس شرکت‌کنندگان قرار گرفت. برای بررسی همبستگی بین متغیرها از همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد و برای بررسی مدل پژوهش روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم افزار AMOS نسخه ۲۰ مورد استفاده قرار گرفت.

ابزار

۱- مقیاس گرایش به اعتیاد ایرانی^۱: این مقیاس در ابتدا توسط وید^۲ و همکاران (۱۹۹۲) ساخته شد و سپس توسط زرگر (۱۳۸۵) در ایران با توجه به شرایط روانی-اجتماعی جامعه ایرانی هنجاریابی و تدوین شد و ویژگی‌های روان‌سنجی آن مورد تایید قرار گرفت. این پرسش‌نامه خود گزارش‌دهی شامل ۳۶ گویه به علاوه ۵ گویه دروغ سنج است. نمره گذاری هر گویه بر روی یک پیوستار از صفر (کاملاً مخالفم) تا ۳ (کاملاً موافقم) است. دامنه‌ی نمره کل این مقیاس از ۰ تا ۱۰۸ است و نمرات بالاتر به منزله آمادگی بیشتر فرد پاسخ دهنده برای اعتیاد می‌باشد. زرگر (۱۳۸۵) آلفای کرونباخ کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های آمادگی فعال و منفعل را به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۱ و ۰/۷۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای مقیاس کل ۰/۸۹ و برای خرده‌مقیاس آمادگی فعال و منفعل به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۰ محاسبه شد.

۲- مقیاس سرمایه روان‌شناختی^۳: این پرسش‌نامه خود گزارش‌دهی ۲۴ گویه‌ای توسط لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) توسعه یافته است و شامل چهار خرده‌مقیاس امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی است که در آن هر خرده‌مقیاس شامل ۶ گویه است. آزمودنی به هر گویه در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت (۱=کاملاً مخالفم تا ۶=کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهد. دامنه نمره کل این مقیاس بین ۲۴ تا ۱۴۴ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطوح بیشتر سرمایه روان‌شناختی است. لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) آلفای کرونباخ کل مقیاس را در نمونه‌های مختلف از ۰/۸۸ تا ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. در ایران، ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس مورد تایید قرار گرفته است. آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های امیدواری ۰/۸۶، تاب‌آوری ۰/۸۶، خودکارآمدی ۰/۸۹، خوش‌بینی ۰/۸۷ بدست آمده است و آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۸ گزارش شده است (محسن‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱؛ تمیزی و همکاران، ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای مقیاس کل ۰/۸۸ و برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۰ محاسبه شد.

۳- مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی^۱: این مقیاس خودگزارشی توسط گانیه^۲ (۲۰۰۳) توسعه یافته و دارای ۲۱ گویه و شامل سه خرده‌مقیاس شایستگی، خودمختاری و ارتباط است. این مقیاس بر اساس طیف هفت درجه‌ای لیکرت (۱= اصلاً درست نیست الی تا ۷= بسیار درست است) نمره‌گذاری می‌شود. لازم به ذکر است که ده گویه معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمره کل این مقیاس بین ۲۱ تا ۱۴۷ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده میزان بیشتر ارضای نیازهای بنیادی روان‌شناختی است. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در پژوهش‌های خارجی مورد تایید قرار گرفته است (جانستون و فینی^۳، ۲۰۱۰؛ گانیه، ۲۰۰۳). بشارت (۱۳۹۲) ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس را در ایران مورد بررسی قرار داد و نتایج تایید‌کننده خصوصیات روان‌سنجی این ابزار بود. به علاوه، آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های خودمختاری، شایستگی و ارتباط به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۱ و ۰/۶۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای مقیاس کل ۰/۷۶ و برای خرده‌مقیاس‌های ارتباط، شایستگی و خودمختاری به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ محاسبه شد.

یافته‌ها

میانگین سن افراد شرکت‌کننده ۱۶/۹۹ و انحراف معیار آن ۰/۷۳ بود. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱: اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	کجی	معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف	شاخص تحمل	عامل تورم واریانس
نیازهای بنیادین روان‌شناختی	۱۰۰/۱۶	۱۵/۳۳	-۰/۲۱	-۰/۱۲	۰/۲۰	۰/۸۵	۱/۱۸
سرمایه روان‌شناختی	۹۹/۲۵	۱۷/۵۳	-۰/۱۸	-۰/۱۴	۰/۹۷	۰/۸۵	۱/۱۸
گرایش به اعتیاد	۳۲/۳۹	۱۶/۰۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۰	۰/۲۰	-	-

1. basic needs satisfaction in general scale

2. Gagné

3. Johnston & Finney

آماره‌های کجی و کشیدگی^۱ در جدول ۱ گزارش شده است که با توجه به اینکه مقادیر این دو آماره بین مثبت و منفی یک هستند پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها برای معادلات ساختاری مورد تایید است. نتایج سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بیشتر از ۰/۰۵ بود که تایید می‌کنند متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال هستند. پیش‌فرض دیگری که باید مدنظر قرار گیرد عدم وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین است که از طریق بررسی عامل تورم واریانس و شاخص تحمل بررسی شد. نتایج در جدول ۱ نشان می‌دهد که آماره قابل قبول برای عامل تورم واریانس کمتر از ۵ هست و برای شاخص تحمل کمتر از ۰/۱۰ و بیشتر از یک نیست. بنابراین، این نتایج نشان‌دهنده عدم وجود همخطی چندگانه بود.

به منظور بررسی رابطه ساده خطی بین متغیرهای پژوهش، همبستگی تمام متغیرها محاسبه گردید. در جدول ۲ ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مورد پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
۱- نیازهای بنیادین روان‌شناختی	-		
۲- سرمایه روان‌شناختی	۰/۳۹*	-	
۳- گرایش به اعتیاد	-۰/۵۰*	-۰/۴۷*	-

* $p < ۰/۰۱$.

همانگونه که یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه روان‌شناختی رابطه منفی و معنی‌داری با گرایش به اعتیاد با نشان دادند ($p < ۰/۰۱$). به علاوه، بین متغیرهای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه روان‌شناختی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت ($p < ۰/۰۱$). پیش از بررسی ضرایب مسیر مدل، برازش کلی مدل نظری مورد ارزیابی قرار گرفت. برای این منظور از شاخص‌های مختلف برازش استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل تحقیق

شاخص برازش	مقدار به دست آمده	مقدار ملاک	وضعیت برازش
نسبت خی دو به درجه آزادی	۸۲۶۷۲/۶۶	-	-
درجه آزادی	۲۴	-	-
نیکویی برازش	۰/۹۹	> ۰/۹۰	برازش عالی
توکر-لوییس	۰/۹۷	> ۰/۹۰	برازش عالی
برازش تطبیقی	۰/۹۹	> ۰/۹۰	برازش عالی
ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد	۰/۰۸	<= ۰/۸	برازش عالی
ریشه خطای میانگین مجزورات تقریبی	۰/۰۸	<= ۰/۸	برازش خوب

با توجه به مقادیر به دست آمده، کلیه شاخص‌های اصلی برازش (شاخص نیکویی برازش^۱، شاخص توکر-لوییس^۲، شاخص برازش تطبیقی^۳، شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد^۴ و شاخص خطای میانگین مجزورات تقریبی^۵) در دامنه قابل قبول تا عالی قرار داشتند. اگرچه آزمون کای-اسکوئر به دلیل حجم نمونه بزرگ معنادار بود، اما سایر شاخص‌ها حاکی از برازش مطلوب مدل با داده‌های تجربی بود. بنابراین، مدل تحقیق از قابلیت مناسبی برای تبیین روابط بین متغیرها برخوردار بود. برای بررسی مدل تحقیق از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. هر یک از روابط مستقیم در جدول ۴ گزارش شده است.

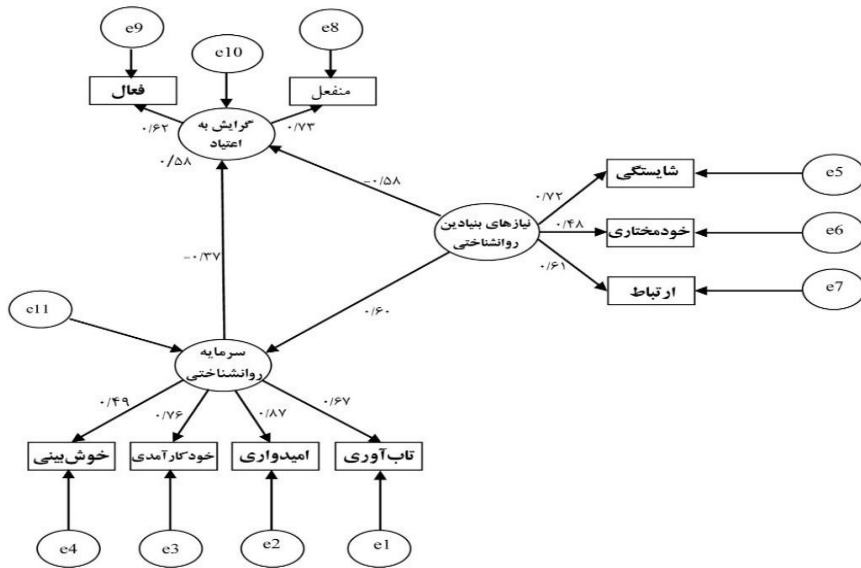
جدول ۴: ضرایب استاندارد روابط مستقیم بین متغیرها

روابط مستقیم	ضریب مسیر	حد بحرانی	معناداری
نیازهای بنیادین روان‌شناختی ← گرایش به اعتیاد	-۰/۵۹	-۵/۴۶	* * < ۰/۰۰۱
سرمایه روان‌شناختی ← گرایش به اعتیاد	-۰/۳۷	-۲/۳۶	* < ۰/۰۰۴
نیازهای بنیادین روان‌شناختی ← سرمایه روان‌شناختی	۰/۶۰	۵/۹۵	* * < ۰/۰۰۱

* $p < ۰/۰۱$. ** $p < ۰/۰۰۱$.

1. goodness of fit index (GFI)
2. Tucker-Lewis index
3. comparative fit index (CFI)

4. standardized root mean square residual (SRMR)
5. root mean square error of approximation (RMSEA)



نمودار ۲: مدل نهایی پژوهش

همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود همه روابط مستقیم در مدل تحقیق از نظر آماری معنادار بودند. نیازهای بنیادین روان‌شناختی ارتباط مستقیم منفی معناداری با گرایش به اعتیاد داشت ($p < 0.001$). به علاوه، ارتباط مثبت معناداری بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه روان‌شناختی مشاهده شد ($p < 0.001$). سرمایه روان‌شناختی نیز به نوبه خود ارتباط منفی معناداری با گرایش به اعتیاد نشان داد ($p < 0.01$). بر اساس نتایج، مدل ۵۸ درصد از تغییرات گرایش به اعتیاد را پیش‌بینی کرد. برای بررسی معناداری روابط غیر مستقیم (نقش میانجی)، از روش بوت استرپ با ۵۰۰۰ باز نمونه‌گیری در نرم افزار ایموس استفاده شد. ضرایب مسیر استاندارد شده و فاصله اطمینان ۹۵ درصد در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: اثرات غیر مستقیم استاندارد شده در روش بوت استرپ

رابطه غیر مستقیم	ضریب استاندارد	حد پایین	حد بالا	معناداری
نیازهای بنیادین روان‌شناختی → سرمایه روان‌شناختی	-0.22^{**}	-0.35	-0.13	0.002^*
سرمایه روان‌شناختی → گرایش به اعتیاد				

* $p < 0.01$.

با توجه به نتایج جدول ۵، سرمایه روان‌شناختی در ارتباط غیر مستقیم نیازهای بنیادین روان‌شناختی با گرایش دارای نقش میانجی معناداری بود ($p < 0/01$). به علاوه، از آنجایی که ۹۵ درصد فاصله اطمینان دامنه حد پایین و بالا عدد صفر را پوشش نمی‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه روان‌شناختی در رابطه غیر مستقیم بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد نقش میانجی معناداری ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی در رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی با گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی بود. یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی رابطه منفی معناداری با گرایش به اعتیاد داشت. همچنین، بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه روان‌شناختی رابطه مثبت معنی‌دار وجود داشت. سرمایه روان‌شناختی نیز همبستگی منفی معناداری با گرایش به اعتیاد نشان داد. به علاوه، سرمایه روان‌شناختی نقش میانجی معناداری در ارتباط غیر مستقیم بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد داشت.

یافته‌ی این پژوهش نشان داد که بین متغیرهای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد رابطه منفی معنی‌دار وجود داشت که همسو با پژوهش‌های ریچاردز و همکاران (۲۰۲۳)، ادانه و همکاران (۲۰۲۴)، اینگولیا و همکاران (۲۰۱۹)، گوگلیاندولو و همکاران (۲۰۲۰)، و میلز و همکاران (۲۰۲۱) است که بیان داشتند که عدم ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در نوجوانان و بزرگسالان با مصرف بالای الکل، گرایش به مصرف و اعتیاد به مواد مخدر و شدت پیامدهای منفی آن مرتبط است. از سوی دیگر، ارضای بیشتر این نیازها نیز با به‌کارگیری استراتژی‌های محافظتی و پیامدهای منفی کمتر همراه است. علاوه بر این، ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی به تنهایی عاملی تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری برای ادامه یا ترک مصرف مواد مخدر در افراد وابسته به مواد می‌باشد و اساساً محرومیت از این نیازها با انواع رفتارهای اعتیادگونه مرتبط است. در تبیین این یافته می‌توان از نظریه خود تعیین‌گری (رایان و دسی، ۲۰۰۰، ۲۰۱۷) که به دلایل انتخاب یا شروع مصرف مواد

توسط افراد نیز می‌پردازند (کوپر^۱ و همکاران، ۲۰۱۶) استفاده کرد. مطابق این نظریه، نیازهای بنیادین روان‌شناختی از ویژگی‌های ذاتی افراد می‌باشد و همه افراد در پی فعالیت‌هایی هستند که فرصت مناسب برای ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد و زمانی که این نیازها ارضاء شود سبب انگیزش درونی شده و افراد به احساس استقلال، شایستگی و توانایی ارتباط با دیگران دست می‌یابند، اما زمانی که این نیازها برآورده نشده باشد افراد در پی فعالیت‌ها و راه‌هایی با انگیزه بیرونی جایگزین برای کسب احساس استقلال، ارتباط با دیگران و شایستگی می‌شوند که یکی از این راهکارهای جایگزین ممکن است گرایش به اعتیاد و مصرف مواد باشد که راهکاری است که از طریق آن افراد سعی می‌کند با مصرف مواد به احساس استقلال ناشی از داشتن حق انتخاب، اراده و ارتباط با دوستان دست یابند. در واقع، زمانی که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی با مشکل مواجه شوند افراد راهکارهای بیرونی غیر از انگیزه درونی را راه جایگزینی برای دستیابی به ارضای نیازهای خود می‌بینند که یکی از همین راهکارهای بیرونی مصرف مواد مخدر است، چرا که وقتی کسی احساس شکست، ناکامی و کهنتری دارد به سمت رفتارهای جبرانی مانند مصرف مواد سوق پیدا می‌کند تا این احساس ناکامی و کهنتری را از خود دور کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند هرچه مشکلات زندگی، آشفتگی هیجانی، درماندگی افراد افزایش یابد احتمال اینکه برای کاهش این ناراحتی‌ها و ناسازگاری‌ها از راه کارهای بیرونی نادرست مانند مصرف مواد مخدر استفاده کنند بیشتر می‌شود (دسی و رایان، ۲۰۰۸؛ بنت و هالوی^۲، ۲۰۱۵؛ ژائو^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). به لحاظ عصب‌شناسی، یافته‌ها بیان می‌کند که این نیازها با شبکه‌های پردازش پاداش و رفتارهای اعتیادی مرتبط توصیف شده‌اند (هایلیگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۶؛ ولکوف و بویل^۵، ۲۰۱۸). بنابراین، می‌توان فرض کرد که ارضاء یا عدم ارضاء نیازهای اساسی روان‌شناختی نیز در مسیر رفتارهای اعتیادی دخیل می‌باشند.

1. Cooper
2. Bennett & Holloway
3. Zhao

4. Heilig
5. Volkow & Boyle

یافته‌ی دیگر این پژوهش نشان داد که بین متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و گرایش به اعتیاد رابطه منفی و معنی‌داری وجود داشت که همسو با پژوهش‌های ژنگ و وی (۲۰۲۳)، ژنگ و تان (۲۰۲۱)، کراسیکوآ و همکاران (۲۰۱۵) و جیا و همکاران (۲۰۲۱) همسو است که بیان داشتند مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی ارتباط نزدیکی با گرایش به اعتیاد و مصرف مواد دارند و می‌توانند به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ای مؤثر برای این رفتارها عمل کنند و بین سرمایه روان‌شناختی و تمایل به عود یا گرایش به مصرف مواد در افراد وابسته به مواد رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، در میان نوجوانان سرمایه روان‌شناختی پایین با افزایش رفتارهای پرخطر از جمله مصرف مواد مخدر همراه است و افرادی که پیش از مواجهه با شرایط تنش‌زا از سطح بالاتری از سرمایه روان‌شناختی برخوردارند کمتر در معرض ابتلا به مشکلات روانی و مصرف مواد قرار می‌گیرند. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که سرمایه روان‌شناختی می‌تواند در مقابله مؤثر با استرس که یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های قوی مشکلات روانی است مورد استفاده قرار گیرد و اثر محافظتی قوی در برابر استرس دارد. همچنین، اثر محافظتی قوی در برابر اضطراب و افسردگی دارد که یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده مصرف الکل و مواد مخدر است و حالات مثبت (مانند شادی و هیجانات مثبت و اجزاء سرمایه روان‌شناختی) با سلامت روان بهتر مرتبط هستند و افراد مثبت‌نگر تمایل دارند روابط اجتماعی بهتری ایجاد کنند و زمان بیشتری به تعامل اجتماعی اختصاص دهند و روابط بین فردی سالم می‌تواند حس تعلق، خودکارآمدی و حمایت اجتماعی را افزایش دهد و افراد را از اثرات منفی استرس محافظت کند. در نتیجه، سرمایه روان‌شناختی می‌تواند به افراد کمک کند تا مکانیسم‌های شناختی بالقوه‌ای مانند تلاش مستمر، بازیابی پس از مشکلات، انتظارات مثبت و استفاده از راه‌حل‌های جایگزین را ایجاد کنند (لوتانز و همکاران، ۲۰۱۳). این مکانیسم‌ها در حوزه سلامت هم‌افزا عمل کرده و افراد را به مدیریت خودمحور سلامت تشویق می‌کنند تا توجه بیشتری به سلامت خود داشته باشند و تمایل به انجام رفتارهای ارتقای سلامت جسمی و روانی پیدا کنند و در

نتیجه خطر گرایش به اعتیاد و مصرف مواد را کاهش می‌دهد (کراسیکوآ و همکاران، ۲۰۱۵؛ تایلور^۱، ۲۰۰۰؛ بندورا^۲، ۱۹۹۹).

یافته دیگر پژوهش این بود که بین متغیرهای ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سرمایه روان‌شناختی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت، همسو با پژوهش‌های سونگ و یان (۲۰۲۵)، حافظ و همکاران (۱۴۰۱)، کارمونا هالتی و همکاران (۲۰۱۹)، و پیرمرادی و همکاران (۱۳۹۷). مطابق نظریه خود تعیین‌گری، ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی زمینه‌ی لازم برای رشد مثبت، شکوفایی، عملکرد روان‌شناختی بهینه، انگیزش درونی و احساس سلامت روانی را فراهم می‌کند (رایان و دسی، ۲۰۰۰). از آنجا که سرمایه روان‌شناختی شامل مؤلفه‌هایی است که دقیقاً نشان‌دهنده‌ی منابع روانی مثبت هستند، ارضای نیازهای بنیادین می‌تواند بستر مناسب را برای شکل‌گیری سرمایه‌های روان‌شناختی فراهم آورد. به عنوان مثال، نتایج پژوهش کارمونا هالتی و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در دانش‌آموزان باعث می‌شود سرمایه روان‌شناختی افزایش یابد که به نوبه خود عملکرد تحصیلی را بهبود می‌بخشد. بنابراین، می‌توان چنین استدلال کرد که وقتی نیازهای بنیادین روان‌شناختی برآورده می‌شوند فرد احساس خودکارآمدی بیشتری دارد (کلر^۳ و همکاران، ۲۰۲۴)، امید بیشتری نسبت به آینده نشان می‌دهد (کارمونا هالتی، ۲۰۱۹، واندلر^۴، ۲۰۱۱)، تاب‌آوری در مواجهه با دشواری‌ها ارتقا می‌یابد (لرا و ابوالکیباش^۵، ۲۰۲۲؛ وانستینکیسته^۶ و همکاران، ۲۰۲۰) و خوشبینی افزایش می‌یابد (کارمونا هالتی و همکاران، ۲۰۱۹؛ آوچی و گونگور^۷، ۲۰۲۳) که همگی اجزای سرمایه روان‌شناختی هستند. بنابراین، ارضای نیازها به عنوان منبع روان‌شناختی عمل می‌کند که سرمایه روان‌شناختی را تقویت می‌کنند.

نهایتاً، این پژوهش نشان داد که نیازهای بنیادین روان‌شناختی از طریق نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی ارتباط غیر مستقیم معناداری با گرایش به اعتیاد داشت. یافته‌های این

1. Taylor
2. Bandura
3. Keller
4. Wandeler

5. Lera & Abualkibash
6. Vansteenkiste
7. Avci & Güngör

پژوهش همسو با نتایج پژوهش‌های سونگ و یان (۲۰۲۵)، کارمونا هالتی و همکاران (۲۰۱۹)، و حافظ و همکاران (۱۴۰۱) است. به عبارت دیگر، این یافته حاکی از آن است که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی نه تنها به طور مستقیم و به طور منفی با رفتارهای پرخطر و گرایش به مصرف مواد مرتبط است، بلکه با تقویت منابع روانی مثبت یا سرمایه روان‌شناختی ارتباطی منفی با گرایش به اعتیاد برقرار می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان از نظریه خود تعیین‌گری (رایان و دسی، ۲۰۰۰، ۲۰۱۷) که به دلایل انتخاب یا شروع مصرف مواد توسط افراد نیز می‌پردازند (کوپر و همکاران، ۲۰۱۶) استفاده کرد. بر اساس این نظریه، زمانی که نیازهای بنیادین روان‌شناختی افراد به خوبی برآورده می‌شوند افراد انگیزش درونی قوی پیدا می‌کنند و تمایل دارند رفتارهای سازنده و مثبت را دنبال کنند. این فرایند رشد و خودتکاملی باعث می‌شود که افراد کمتر به دنبال راهکارهای جایگزین بیرونی مانند مصرف مواد برای جبران ناکامی‌های ناشی از عدم ارضای این نیازهای روان‌شناختی باشند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی زمینه‌ی لازم برای رشد مثبت، شکوفایی، عملکرد روان‌شناختی بهینه، انگیزش درونی و احساس سلامت روانی فراهم می‌کند و سرمایه روان‌شناختی شامل مؤلفه‌هایی است که دقیقاً نشان‌دهنده‌ی منابع روانی مثبت هستند، ارضای نیازهای بنیادین می‌تواند بستر مناسب را برای شکل‌گیری سرمایه روان‌شناختی فراهم آورد. در نتیجه، سرمایه روان‌شناختی می‌تواند مکانیسم واسطه‌ای مهمی برای رابطه بین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی با گرایش به اعتیاد باشد چرا که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی زمینه و منبعی مهم در جهت شکل‌گیری و تقویت سرمایه روان‌شناختی را فراهم می‌کند و این منابع روانی مثبت نیز به نوبه خود ظرفیت فرد را برای مقابله با فشارها و استرس‌های زندگی افزایش می‌دهند و ریسک گرایش به اعتیاد را کاهش می‌دهند. به بیان دیگر، سرمایه روان‌شناختی باعث می‌شود که اثر کاهش‌دهنده نیازهای بنیادین بر گرایش به اعتیاد قوی‌تر و پایدارتر شود، چرا که افراد دارای سرمایه روان‌شناختی بالاتر استرس کمتر، توانایی‌های شناختی قوی‌تر مثل مدیریت هیجانات منفی (لیو^۱ و همکاران، ۲۰۲۴)، حل مسئله (وانگ^۲ و همکاران،

(۲۰۲۳) و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای سالم (مورنو-مونترو^۱ و همکاران، ۲۰۲۴) را دارند و کمتر به مصرف مواد روی می‌آورند.

به طور خلاصه، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کاهش گرایش به اعتیاد در نوجوانان تنها با ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی حاصل نمی‌شود، بلکه تقویت سرمایه روان‌شناختی نیز ضروری است. سرمایه روان‌شناختی با تقویت منابع روانی مثبت و توانایی‌های مقابله‌ای نوجوانان اثر محافظتی ارضای نیازهای روان‌شناختی در برابر رفتارهای اعتیادگونه را افزایش می‌دهد و زمینه‌ساز کاهش پایدار گرایش به مصرف مواد مخدر و رفتارهای پرخطر می‌شود. تقویت ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی همراه با افزایش سرمایه روان‌شناختی یک راهکار مؤثر در پیشگیری از گرایش به اعتیاد در نوجوانان است. این پژوهش نیز همانند همه پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه است. نخستین محدودیت بکارگیری پرسش‌نامه به شکل خود گزارش‌دهی جهت جمع‌آوری داده‌ها بود که یکی از اشکالات بزرگ این روش کنترل تأثیر مطلوبیت اجتماعی نهفته یا تمایل آزمودنی‌ها به انتخاب گزینه‌ای است که آنان را در وضعیت مطلوبی نشان دهد که این مساله احتمالاً بر روی دقت و صحت نتایج اثر می‌گذارد. محدودیت دیگر این پژوهش طراحی مقطعی این مطالعه بود که انجام استنباط‌های علت و معلولی از روابط توصیف شده را غیر ممکن می‌سازد. محدودیت دیگر این است که نمونه مورد مطالعه را فقط دانش‌آموزان دبیرستانی پسر تشکیل دادند که این مسئله می‌تواند بر دقت و تعمیم‌پذیری نتایج اثر گذار باشد. بنابراین، برای پرداختن به این محدودیت‌ها لازم است که پژوهشگران در تحقیقات طولی آینده پژوهش حاضر را با تنوع بیشتری تکرار کنند به صورتی که نمونه‌ها شامل افراد غیر دانش‌آموز باشد و همچنین این نمونه‌ها می‌تواند از نظر جغرافیایی، فرهنگی، نژادی و جنسیتی نیز متفاوت باشند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر اصول ملاحظات اخلاقی پژوهش از جمله رازداری، محرمانه ماندن و حریم خصوصی افراد رعایت شد و شرکت در پژوهش هیچ گونه آسیبی برای شرکت کنندگان نداشت.

منابع

- آقاجانی، سیف‌الله؛ سلمانی، علی و شاری، آيسان (۱۴۰۴). مدل‌یابی نقش میانجی باورهای خودکارآمدی در رابطه بین تنظیم شناختی هیجان و انعطاف‌پذیری شناختی با تاب‌آوری در نوجوانان دارای گرایش به اعتیاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۹ (۷۶)، ۳۶-۷. <https://doi.org/10.22034/ETI.19.76.7>
- آقاجانی، سیف‌الله؛ نوری لاسکی، شایان؛ خادمی، رقیه و زارعی نوروزی، محمد (۱۴۰۳). تدوین الگوی روابط ساختاری آمادگی به اعتیاد نوجوانان بر اساس نشخوار فکری و نقش واسطه‌ای آشفته‌گی‌های روان‌شناختی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۸ (۷۴)، ۸۴-۶۱. <https://doi.org/10.22034/ETI.18.74.61>
- بشارت، محمدعلی (۱۳۹۲). مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی: پایایی، روایی و تحلیلی عاملی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۴ (۱۴)، ۱۶۸-۱۴۷.
- پیرمرادی، فرزانه؛ احمدیان، حمزه؛ کرمی، جهانگیر و یاراحمدی، یحیی (۱۳۹۷). تدوین و آزمون مدل ارتباطی نیازهای اساسی روانی بر معنای زندگی با میانجی‌گری سرمایه روان‌شناختی و ارزش‌های انسانی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۲۱ (۱)، ۴۳-۵۲. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2018.12368>
- تمیزی، نوشین؛ ضرغام حاجبی، مجید و میرزاحسینی، حسن (۱۴۰۰). ارائه مدلی برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مولفه‌های سبک دلبستگی و عملکرد جنسی در زنان با نقش میانجی‌گری هوش هیجانی. *فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی*، ۲ (۷)، ۵۱-۷۲. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.2.3.3>
- تیمورزاده، حسن؛ محمدی‌پور، محمد و بخشی‌پور، ابوالفضل (۱۴۰۰). مدل‌یابی روابط ساختاری اعتیاد به اینترنت براساس سرمایه روان‌شناختی با نقش واسطه‌ای درگیری تحصیلی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۲۰ (۱۰۲)، ۹۷۷-۹۶۷.
- حافظ، علی اصغر؛ رشیدی‌پور، فاطمه و یونسیان، مازیار (۱۴۰۱). رابطه نیازهای اساسی روان‌شناختی با افسردگی، اضطراب و استرس با توجه به نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۷ (۶۵)، ۷۳-۶۳. <https://doi.org/10.22034/jmpr.2022.15081>
- زرگر، یدالله (۱۳۸۵). *ساخت مقیاس ایرانی آمادگی اعتیاد*. دومین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران، تهران.

- شالچی، بهزاد؛ تنگستانی‌زاده، فریده؛ پرنیان‌خوی، مریم و یاقوتی آذری، شهرام (۱۳۹۶). رابطه هوش هیجانی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و آسیب‌پذیری نسبت به اعتیاد با نقش واسطه‌ای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در دانشجویان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۱(۴۲)، ۷۱-۹۲.
- عشایری، طاهّا؛ سعادت، موسی و جهان‌پرور، طاهره (۱۴۰۳). مطالعه دلایل و عوامل موثر بر شیوع مصرف مواد مخدر (مورد مطالعه: سطح کشوری). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۵(۱)، ۲۱۴-۱۹۵. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2024.360390.671135>
- محسن‌آبادی، حمید؛ فتحی‌آشتیانی، علی و احمدی‌زاده، محمد جواد (۱۴۰۱). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی-۲۴ (PCQ-24) در یک واحد نظامی. *طب نظامی*، ۲۳(۹)، ۷۴۹-۷۳۸. <https://doi.org/10.30491/JMM.23.9.738>

References

- Avci, M., & Güngör, A. (2023). Examining the Relationships between Basic Psychological Needs and Wellness in College Students: The Mediating Role of Stress Coping Styles. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 10(1), 113-126. <https://dx.doi.org/10.52380/ijpes.2023.10.1.891>
- Bandura, A. (1999). A sociocognitive analysis of substance abuse: An agentic perspective. *Psychological Science*, 10(3), 214-217. <https://doi.org/10.1111/1467-9280.00138>
- Bennett, T. H., & Holloway, K. R. (2015). Drug use among college and university students: Findings from a national survey. *Journal of Substance Use*, 20(1), 50-55. <https://doi.org/10.3109/14659891.2013.878762>
- Carmona-Halty, M., Schaufeli, W. B., Llorens, S., & Salanova, M. (2019). Satisfaction of basic psychological needs leads to better academic performance via increased psychological capital: A three-wave longitudinal study among high school students. *Frontiers in Psychology*, 10, 2113. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02113>
- Chan, G. H., Lo, T. W., Tam, C. H., & Lee, G. K. (2019). Intrinsic motivation and psychological connectedness to drug abuse and rehabilitation: The perspective of self-determination. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(11), 1934. <https://dx.doi.org/10.3390/ijerph16111934>
- Cooper, M. L., Kuntsche, E., Levitt, A., Barber, L. L., & Wolf, S. (2016). *Motivational models of substance use: A review of theory and research on motives for using alcohol, marijuana, and tobacco*. In K. J. Sher (Ed.), *Te Oxford handbook of substance use and substance use disorders*, Vol. 1. (pp. 375-421). Oxford University Press.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2008). Self-determination theory: A macrotheory of human motivation, development, and health. *Canadian Psychology/Psychologie Canadienne*, 49(3), 182-185. <https://doi.org/10.1037/a0012801>

- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2011). Levels of analysis, regnant causes of behavior and well-being: The role of psychological needs. *Psychological Inquiry*, 22(1), 17-22. <https://doi.org/10.1080/1047840X.2011.545978>
- Edane, E., Duchesne, S., & Boisclair-Châteauvert, G. (2024). Problematic school functioning and substance use among Gabonese students: Moderating effect of basic psychological needs frustration. *International Journal of School & Educational Psychology*, 12(4), 173-185. <https://doi.org/10.1080/21683603.2024.2438400>
- Gagné, M. (2003). The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocial behavior engagement. *Motivation and Emotion*, 27(3), 199-223. <https://doi.org/10.1023/A:1025007614869>
- Garofoli, M. (2020). Adolescent substance abuse. *Primary Care: Clinics in Office Practice*, 47(2), 383-394. <https://dx.doi.org/10.1016/j.pop.2020.02.013>
- Gordon, M. S., Russell, B. S., & Finan, L. J. (2020). The influence of parental support and community belonging on socioeconomic status and adolescent substance use over time. *Substance Use & Misuse*, 55(1), 23-36. <https://dx.doi.org/10.1080/10826084.2019.1654513>
- Gugliandolo, M. C., Costa, S., Kuss, D. J., Cuzzocrea, F., & Verrastro, V. (2020). Technological addiction in adolescents: The interplay between parenting and psychological basic needs. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 18(5), 1389-1402. <https://doi.org/10.1007/s11469-019-00156-4>
- Heilig, M., Epstein, D. H., Nader, M. A., & Shaham, Y. (2016). Time to connect: bringing social context into addiction neuroscience. *Nature Reviews Neuroscience*, 17(9), 592-599. <https://dx.doi.org/10.1038/nrn.2016.67>
- Inguglia, C., Costa, S., Ingoglia, S., & Liga, F. (2019). Associations between peer pressure and adolescents' binge behaviors: The role of basic needs and coping. *Journal of Genetic Psychology*, 180(2-3), 144-155. <https://doi.org/10.1080/00221325.2019.1621259>
- Jia, X., Zhu, H., Sun, G., Meng, H., & Zhao, Y. (2021). Socioeconomic status and risk-taking behavior among Chinese adolescents: the mediating role of psychological capital and self-control. *Frontiers in Psychology*, 12, 760968. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.760968>
- Johnston, M. M., & Finney, S. J. (2010). Measuring basic needs satisfaction: Evaluating previous research and conducting new psychometric evaluations of the Basic Needs Satisfaction in General Scale. *Contemporary Educational Psychology*, 35(4), 280-296. <https://doi.org/10.1016/j.cedpsych.2010.04.003>
- Keller, M. V., Rinas, R., Janke, S., Dickhäuser, O., Dresel, M., & Daumiller, M. (2024). Intertwining self-efficacy, basic psychological need satisfaction, and emotions in higher education teaching: A micro-longitudinal study. *Social Psychology of Education*, 27, 3119-3152. <https://doi.org/10.1007/s11218-024-09888-1>
- Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- Krasikova, D. V., Lester, P. B., & Harms, P. D. (2015). Effects of psychological capital on mental health and substance abuse. *Journal of Leadership &*

- Organizational Studies*, 22(3), 280-291.
<https://doi.org/10.1177/1548051815585853>
- Lera, M. J., & Abualkibash, S. (2022). Basic psychological needs satisfaction: A way to enhance resilience in traumatic situations. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(11), 6649.
<https://doi.org/10.3390/ijerph19116649>
- Liu, Z., Bao, T., Yang, Z., Ruan, Y., Gao, C., & Wu, J. (2024). Longitudinal relationship between psychological capital and anxiety in college students: the mediating effect of emotion reregulation strategy and moderating effect of parent-child relationship. *Psychology Research and Behavior Management*, 17, 2641-2652. <https://doi.org/10.2147/PRBM.S462202>
- Luthans, F., & Youssef, C. M. (2007). Emerging positive organizational behavior. *Journal of Management*, 33(3), 321-349.
<https://doi.org/10.1177/0149206307300814>
- Luthans, F., Avolio, B. J., Avey, J. B., & Norman, S. M. (2007). Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. *Personnel Psychology*, 60(3), 541-572.
<https://doi.org/10.1111/j.1744-6570.2007.00083.x>
- Luthans, F., Youssef, C. M., & Avolio, B. J. (2007). *Psychological capital: Developing the human competitive edge*. Oxford University Press.
- Luthans, F., Youssef, C. M., Sweetman, D. S., & Harms, P. D. (2013). Meeting the leadership challenge of employee well-being through relationship PsyCap and health PsyCap. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 20(1), 118-133. <https://doi.org/10.1177/1548051812465893>
- Maggs, J. L., Calhoun, B. H., & Allen, H. K. (2023). Substance use across adolescence and early adulthood: Prevalence, causes, developmental roots, and consequences. In L. J. Crockett, G. Carlo, & J. E. Schulenberg (Eds.), *APA handbook of adolescent and young adult development* (pp. 541–556). American Psychological Association. <https://doi.org/10.1037/0000298-033>
- Manrique-Millones, D. L., Pineda-Marin, C. P., Millones-Rivalles, R. B., & Dimitrova, R. (2021). *The 7Cs of positive youth development in Colombia and Peru: A promising model for reduction of risky behaviors among youth and emerging adults*. In R. Dimitrova & N. Wiium (Eds.), *Handbook of positive youth development: Advancing research, policy, and practice in global contexts* (pp. 35–48). Springer Nature Switzerland AG. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-70262-5-3>
- Meredith, L. S., Ewing, B. A., Stein, B. D., Shadel, W. G., Brooks Holliday, S., Parast, L., & D'Amico, E. J. (2018). Influence of mental health and alcohol or other drug use risk on adolescent reported care received in primary care settings. *BMC Family Practice*, 19, 10. <https://dx.doi.org/10.1186/s12875-017-0689-y>
- Mills, D. J., Li Anthony, W., & Nower, L. (2021). General motivations, basic psychological needs, and problem gambling: applying the framework of Self-Determination Theory. *Addiction Research & Theory*, 29(2), 175-182.
<https://doi.org/10.1080/16066359.2020.1787389>

- Moreno-Montero, E., Ferradás, M. D. M., & Freire, C. (2024). Personal resources for psychological well-being in university students: the roles of psychological capital and coping strategies. *European Journal of Investigation in Health, Psychology and Education*, 14(10), 2686-2701. <https://dx.doi.org/10.3390/ejihpe14100177>
- Niemiec, C. P., Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2010). *Self-determination theory and the relation of autonomy to self-regulatory processes and personality development*. In R. H. Hoyle (Ed.), *Handbook of personality and self-regulation* (pp. 169–191). Wiley Blackwell. <https://doi.org/10.1002/9781444318111.ch8>
- Richards, D. K., Greñ, J. D., Pearson, M. R., Addictions Research Team, & Protective Strategies Study Team. (2023). Profiles of alcohol and cannabis protective behavioral strategies use across two large, multi-site college student samples of concurrent alcohol and cannabis users. *Addictive Behaviors*, 146, 107789. <https://dx.doi.org/10.1016/j.addbeh.2023.107789>
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55(1), 68–78. <https://dx.doi.org/10.1037110003-066X.55.1.68>
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. The Guilford Press. <https://doi.org/10.1521/978.14625/28806>
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2021). Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness. *Rajagiri Management Journal*, 15(1), 88-90.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2024). Self-determination theory. In *Encyclopedia of quality of life and well-being research* (pp. 6229-6235). Cham: Springer International Publishing.
- Ryan, R. M., Reeve, J., Kaplan, H., Matos, L., & Cheon, S. H. (2023). *Education as flourishing: Self-determination theory in schools as they are and as they might be*. In R. M. Ryan (Ed.), *The Oxford handbook of self-determination theory* (pp. 591–618). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780197600047.013.60>
- Song, S., & Yan, B. (2025). The Relationship Between Basic Psychological Needs Satisfaction and Personal Growth Initiative Among Female College Students in Western China: A Chain Mediation Effect. *Frontiers in Psychology*, 16, 1689035. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1689035>
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2013). *Using multivariate statistics* (6th ed.). Pearson.
- Taylor, S. E., Kemeny, M. E., Reed, G. M., Bower, J. E., & Gruenewald, T. L. (2000). Psychological resources, positive illusions, and health. *American Psychologist*, 55(1), 99.-109. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.55.1.99>
- Tesfai, A. H. (2016). *Alcohol and Substance Abuse Among Students at University of KwaZulu-Natal, South Africa: The Protective Role of Psychological Capital and Health Promoting Lifestyle* (Doctoral dissertation, University of KwaZulu-Natal, Durban).
- Valizadeh-Ardalan, P., Yazdanpanah, H., Servatyari, K., Mardani, N., & Parkalian, M. (2019). The frequency of substance abuse tendency and its

- related factors among high school students in Divandarreh City, Iran, in year 2018. *Chronic Diseases Journal*, 7(4), 233-239. <https://dx.doi.org/10.22122/cdj.v7i4.463>
- Vansteenkiste, M., Ryan, R. M., & Soenens, B. (2020). Basic psychological need theory: Advancements, critical themes, and future directions. *Motivation and Emotion*, 44, 1-31. <https://doi.org/10.1007/s11031-019-09818-1>
- Volkow, N. D., & Boyle, M. (2018). Neuroscience of addiction: relevance to prevention and treatment. *American Journal of Psychiatry*, 175(8), 729-740. <https://dx.doi.org/10.1176/appi.ajp.2018.17101174>
- Wandeler, C. A. (2011). *The development of hope at the workplace* (Doctoral dissertation, University of Zurich).
- Wang, H., Ng, T. K., & Siu, O. L. (2023). How does psychological capital lead to better well-being for students? The roles of family support and problem-focused coping. *Current Psychology*, 42(26), 22392-22403. <https://doi.org/10.1007/s12144-022-03339-w>
- Weed, N. C., Butcher, J. N., McKenna, T., & Ben-Porath, Y. S. (1992). New measures for assessing alcohol and drug abuse with the MMPI-2: The APS and AAS. *Journal of Personality Assessment*, 58(2), 389-404. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5802_15
- Zeng, X., & Tan, C. (2021). The relationship between the family functioning of individuals with drug addiction and relapse tendency: a moderated mediation model. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(2), 625. <https://dx.doi.org/10.3390/ijerph18020625>
- Zeng, X., & Wei, B. (2023). The relationship between the psychological capital of male individuals with drug abuse and relapse tendency: A moderated mediation model. *Current Psychology*, 42(12), 10334-10343. <https://dx.doi.org/10.1007/s12144-021-02325-y>
- Zhao, H., Li, X., Zhou, J., Nie, Q., & Zhou, J. (2020). The relationship between bullying victimization and online game addiction among Chinese early adolescents: The potential role of meaning in life and gender differences. *Children and Youth Services Review*, 116, 105261. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105261>